

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



بن‌سلمان به دنبال پیمان امنیتی با واشنگتن

محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان سعودی ماه آینده به کاخ سفید می‌رود تا بار دیگر همان مردی را ملاقات کند که در واپسین سفرش به آمریکا در سال ۲۰۱۸ ملاقات کرد: دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا. روزنامه فاینشیل تایمز گزارش داده است که بن‌سلمان تمایل دارد که این دیدار را با در دست داشتن توافقی امضا شده ترک کند؛ توافقی مشابه آن چیزی که در فرمان اجرایی ترامپ در خصوص قطر، پس از حمله ماه سپتامبر اسرائیل به دوحه امضا شد. قطر میزبان پایگاه العدید، بزرگ‌ترین پایگاه نظامی ایالات متحده آمریکا را در خاور میانه است. هر چند قطر در حال حاضر با عربستان سعودی روابط حسنه‌ای دارد، اما بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ تحت محاصره اقتصادی و دیپلماتیک توسط ائتلافی تحت رهبری عربستان قرار داشت. این محاصره نشان‌دهنده شکاف میان دولت‌های عربی و اسلامی بود که هر یک مجبور شدند طرف یکی را در این دعوا بگیرند. عربستان سعودی نیز میزبان سه پایگاه هوایی آمریکا است که عمدتاً در ساحل غربی دریای سرخ واقع شده‌اند. به نوشته فاینشیل تایمز، محمد بن‌سلمان با توجه به ناآرامی‌های منطقه در دوسال گذشته به دنبال توسعه همکاری‌های نظامی و اطلاعاتی خود است. از همه مهم‌تر اینکه عربستان سعودی معتقد است عزم و اراده کافی در رئیس‌جمهور فعلی آمریکا برای توسعه چنین همکاری‌هایی وجود دارد. نخستین مقصد سفر خارجی دونالد ترامپ در دوره اول و دوم ریاست‌جمهوری اش، عربستان سعودی بود. او بارها در این مورد سخن گفته است که آمریکا باید از دولت‌های عربی خلیج فارس حمایت کند چرا که آنها بیشترین هزینه‌ها را در ایالات متحده آمریکا انجام می‌دهند و به همین ترتیب بیشترین کمک را به کسب و کارهای خانوادگی اومی کنند. او همچنین تاکنون کاملاً از انتقاد نسبت به کارنامه حقوق بشری پادشاهی عربستان سعودی اجتناب کرده است. جرد کوشر، داماد دونالد ترامپ، که شخصاً یک شهروند عادی به شدت هوادار اسرائیل بود و برای کار بر روی برنامه آتش‌بس غزه در ماه جاری به دولت آمریکا بازگشت، روابط مالی بسیار گسترده‌ای با عربستان سعودی دارد. افینیتی پارتنر، شرکت سرمایه‌گذاری متعلق به کوشر به تازگی در خریداری شرکت تولید بازی‌های رایانه‌ای Electronic Arts (EA) با صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان سعودی شراکت کرده است. روابط محمد بن‌سلمان و ترامپ، یک تحول اساسی در روابط آمریکا و سعودی بعد از دولت جو بایدن محسوب می‌شود. در دوران بایدن ولیعهد عربستان سعودی به عنوان یک سیاستمدار مطرود شناخته می‌شد هر چند که نهایتاً در سفر جو بایدن به ریاض، از رئیس‌جمهور آمریکا میزبانی کرد. در سفر بایدن به ریاض، رئیس‌جمهور آمریکا خواستار افزایش تأمین نفت توسط عربستان سعودی در بازارهای جهانی شد. در آن دوران ایالات متحده آمریکا در حال بازگشت از وضعیت رکود ناشی از جهان‌گیری کرونا بود و چند ماه قبل از این سفر روسیه به اوکرین حمله کرده بود. با این حال هر دو طرف به صورت بی‌سروصدا برای اضافه کردن عربستان سعودی به توافقنامه‌های عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با اسرائیل موسوم به پیمان ابراهیم تلاش می‌کردند؛ هر چند که بعد از حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و آغاز جنگ غزه این گفت‌وگوهای عادی‌سازی متوقف شد. با آتش‌بس شکننده‌ای که اکنون در غزه شکل گرفته است، هفته گذشته استیو ویتکاف، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا در پرونده‌های صلح ادعا کرد که اکنون شرایط برای کشورهای منطقه برای ازسرگیری فرآیند عادی‌سازی مساعد است. اما اسرائیل به دلیل عملکردش در غزه و بمباران ۷ کشور دیگر منطقه در دو سال گذشته به شدت مورد انتقاد قرار گرفته و بعید است که دیدار بن‌سلمان و ترامپ در ماه نوامبر نتیجه‌ای در خصوص پیمان‌های ابراهیم داشته‌باشند. در سفر سال ۲۰۱۸ ولیعهد سعودی به آمریکا که از شرق تا غرب آمریکا سفر کرد، در نقاط مختلف از او استقبال شد. او ده‌ها میلیون دلار به استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های بزرگ آمریکایی سرمایه تزریق کرد و با تعداد زیادی از شخصیت‌های برجسته در حوزه سیاست، فناوری و هالیوود دیدار و گفت‌وگو کرد. محمد بن‌سلمان در آن دوران به عنوان شخصیت تحول‌خواه و مدرن‌کننده عربستان سعودی تلقی می‌شد. این واقعه پیش از این بود که جمال خاشقچی، ستون‌نویس میدل‌ایست‌آی و واشنگتن‌پست در کنسول‌گری عربستان سعودی در استانبول در اکتبر ۲۰۱۸ به قتل برسد. تصور عمومی بر این است که این قتل به دستور ولیعهد عربستان سعودی انجام شد.

عکس: The New York Times



طالبان جنگ

چه کسی از نبرد میان دو همسایه شرقی ایران منفعت می‌برد؟



شهاب شهنشاهی

خبرنگار گروه دیپلماسی

نبرد میان طالبان و ارتش پاکستان در مرز مشترک افغانستان و پاکستان از روز پنج‌شنبه ۱۷ مهر پس از آنکه اسلام‌آباد عملیات هوایی برای هدف قرار دادن نورولی

نگاه دیپلمات

ماشالله شاکری سفیر پیشین ایران در پاکستان در گفت‌وگو با «هم‌میهن»:

پاکستان اسیر ماری شد که خود پرورده بود

درگیری مرزی میان پاکستان و طالبان از ۱۷ مهر پس از اقدام نظامی پاکستان برای هدف قرار دادن نور علی محسود، یکی از رهبران تحریک طالبان پاکستان در پایتخت افغانستان به مدت نزدیک ه روز ادامه یافت. این درگیری‌ها در حالی آغاز شد که هم طالبان و هم دولت پاکستان طرف مقابل را به حمایت از تروریست در خاک خود متهم می‌کردند. ماشالله شاکری، سفیر پیشین جمهوری اسلامی ایران در پاکستان معتقد است که هر چند ممکن است دولتمردان کنونی پاکستان نسبت به برخی اقدامات گذشته در پرورش نیروهای افراطی در منطقه پشیمان باشند، اما واقعیت این است که هم طالبان افغانستان و به تبع آن تحریک طالبان پاکستان، محصول سیاست‌های گذشته اسلام‌آباد است. شاکری معتقد است که تروریست یک مسئله ریشه‌دار در منطقه است و از طریق جنگ میان افغانستان و پاکستان نمی‌توان این مسئله را حل کرد، بلکه باید از طریق همکاری میان طرف‌های ذی‌نفع در منطقه به این پدیده مبارزه کرد. در ادامه متن کامل گفت‌وگوی «هم‌میهن» را با ماشالله شاکری، سفیر پیشین جمهوری اسلامی ایران در پاکستان مطالعه می‌کنید.

درگیری چندروزه میان پاکستان و طالبان چه دلالت‌های امنیتی و سیاسی برای ایران دارد؟

جمهوری اسلامی ایران نسبت به هرگونه درگیری، تنش و زد و خورد در نزدیکی مرزها و مناطق همجوار خودش به نفع مصالح ملی و امنیت ملی ایران نمی‌داند. افغانستان و پاکستان هر دو کشورهای همسایه، مسلمان و دارای مناسبات حسنه با ایران هستند. ایران این اتفاق را واقعه ناخوشایندی برای هر دو ملت پاکستان و افغانستان می‌داند و امیدواریم که عقلای حاکم بر اسلام‌آباد هر چه زودتر بر این تنش‌ها فائق بیایند و از خون‌ریزی بیشتر میان ملت‌های مسلمان جلوگیری شود.

در دو طرف یکدیگر را به حمایت از تروریسم متهم می‌کنند و حتی سخن‌گوییان ارشد امارت اسلامی افغانستان، علناً ادعا کردند که حملات تروریستی داعش در خاک ایران از درون پاکستان برنامه‌ریزی و اجرا شده است. این اتهام‌زنی‌ها تا چه اندازه صحیح است؟

اینکه یک طرف ثالث در مورد احتمال وجود چالشی در رابطه دوجانبه ما و یک کشور دیگری اظهار نظر کند، چندان پسندیده

محسود، یکی از رهبران ارشد تحریک طالبان پاکستان در کابل انجام داد، آغاز شد. در طول نزدیک به ۱۰ روز زد و خورد مسلحانه در مرز مشترک دو کشور، هر دو طرف مدعی تلفات گسترده در طرف مقابل شدند. یک‌شنبه این هفته با میانجی‌گری قطر و ترکیه، طالبان و دولت پاکستان در دوحه به یک تفاهم برای آتش‌بس و توقف درگیری‌ها رسیدند. درگیری در مرزهای شرقی ایران بار دیگر نگرانی‌ها را در مورد امنیت منطقه پس از روی کار

آمدن طالبان در کابل دامن زده است. ایران سال ۲۰۲۱ از عقب‌نشینی کامل آمریکا از افغانستان به دلیل پایان یافتن جنگ داخلی ۲۰ ساله در افغانستان و بازگشت ثبات و امنیت به این کشور استقبال کرده بود اما از سرگیری ناآرامی‌ها در افغانستان پس از شروع جنگ با پاکستان، بار دیگر این نگرانی را ایجاد کرده است که سیاست‌های طالبان بار دیگر باعث ناامنی و بی‌ثباتی در مرزهای شرقی جمهوری اسلامی ایران شود.

طالبان و دولت پاکستان، هر دو یکدیگر را به حمایت از تروریسم متهم می‌کنند. پاکستان مدعی است که گروه تحریک طالبان پاکستان که در مناطق قبیله‌نشین و ایالت خیرپخنوخوا مستقر هستند، از افغانستان تغذیه می‌شوند و حمایت کابل را پشت خود دارند. عملیات پاکستان در هدف قرار دادن پایتخت افغانستان قرار بود که رهبر این گروه شبه‌نظامی را حذف کند. هر چند گروه تحریک طالبان پاکستان مدعی شده است که نور ولی محسود، رهبر این

خیلی به هم نزدیک هستند و به همین دلیل پاکستان از ماری گزیده می‌شود که خودش روزگاری پرورش داده است. هیچ بعید نیست که دولتمردان پاکستان امروز نسبت به عملکرد نظامیان و سیاستمداران خودشان در دهه‌های گذشته متأسف و پشیمان باشند اما این واقعیت تاریخی را نمی‌توان انکار کرد که خود طالبان افغانستان در دامن دولت‌های پاکستان پرورش یافت و به قدرت رسید. امروز دو طرف یکدیگر را به حمایت از تروریسم متهم می‌کنند اما واقعیت این است که مقصر هر کسی باشد، واقعیت منطقه این است که تروریسم در این منطقه لانه کرده است و مبارزه با آن نیازمند همکاری جمعی کشورهای منطقه است. بخشی از خاستگاه این تئوری‌ها و تروریسم ممکن است در منطقه پشتونستان باشد که گستره‌ای از خاک پاکستان و خاک افغانستان را در بر می‌گیرد. افغانستان و پاکستان مرز بسیار بلند ۱۹۰۰ کیلومتری دارند که اجازه رفت‌وآمدهای غیرقانونی را در غیاب کنترل دولت‌ها تشدید می‌کند. امروز برخی از دولت‌هایی که روابط حسنه‌ای با پاکستان ندارند از فرصت فقدان کنترل در این منطقه استفاده می‌کنند و بر ناآرامی‌ها و اقدام‌های خشونت‌بار دامن می‌زنند. درگیری مرزی میان پاکستان و افغانستان باعث مستهلک شدن ظرفیت‌های اجتماعی، اقتصادی و انسانی هر دو کشور می‌شود. هم اسلام‌آباد و هم کابل باید واقعیت‌های موجود را بپذیرند و عزم و اراده سیاسی برای حل این موضوع داشته‌باشند. با یاد میانی کشورهایی که نیت سالم و پاک دارند، ممکن است که بتوانند به این درگیری‌ها پایان دهند.

در نظر می‌رسد که بعد از جنگ ۴ روزه اخیر پاکستان و هند در سال جاری، تا حدودی رویکرد سیاست خارجی پاکستان تهاجمی‌تر و جسورانه‌تر شده است. از جمله شاهد بودیم که در ماه‌های گذشته پاکستان پیمان دفاع متقابل با عربستان سعودی امضا کرد، از ایران در جنگ دوازده‌روزه حمایت کرد و وارد درگیری با طالبان شد. فکر می‌کنید چرا سیاست‌های پاکستان نسبت به قبل از جنگ جسورانه‌تر شده است؟

نخستین مسئله در مورد جنگ اردیبهشت‌ماه سال جاری میان پاکستان و هند این است که پاکستان از موضع تدافعی وارد این جنگ شد و شروع‌کننده جنگ هندی‌ها بودند و پاکستان از خود دفاع کرد اما در چارچوب این جنگ ۴ روزه و دفاع از خاک پاکستان، ارتش پاکستان توانست با توفیق بیرون بیاید. عوامل بیرونی، به‌ویژه حمایت چین از پاکستان در این موفقیت نقش داشت. پاکستان در این جنگ نشان داد که ظرفیت دفاعی و نظامی توانمندی در اختیار دارد. این مسئله باعث شد که نوعی اعتماد به نفس در نظامیان پاکستان ایجاد شود. البته برخی مسائل مربوط به ماه‌های اخیر و پس از جنگ نیستند، برای مثال روابط نظامی و دفاعی پاکستان و عربستان سعودی مسئله جدیدی نیست. قصه همکاری‌های نظامی و دفاعی ریاض و اسلام‌آباد به دهه ۱۹۶۰ میلادی باز می‌گردد و بیش از ۶ دهه عمر دارد. این همکاری‌ها به تدریج شکل گرفته‌اند و امروزه اندکی علنی‌تر از گذشته شده‌اند. بعد از حمله اسرائیل به دوحه، عربستان سعودی احساس خطر کرد و این همکاری‌های کم و بیش آشکار را کاملاً علنی کرد. اساساً یکی از ابزارهای اعمال نفوذ سیاسی و دیپلماتیک و توسعه روابط پاکستان با جهان خارج، همین ظرفیت نظامی و قدرت دفاعی پاکستان است. کشورهایی که دارای توانمندی نظامی باشند از دیپلماسی نظامی برای توسعه روابط خارجی خود استفاده می‌کنند و پاکستان هم از این امر مستثنی نیست.